

آزادگی ایران

بها: ۵ فرانک

آزادخواهان ایران متحد شوید!

دی ۱۳۶۳

دشمن اصلی مردم ایران کیست؟

جمشید آریانپور

۱- سردرگمی رهبران و روشنفکران

فرضی و غیر عمد همد میگرد ، بعلمت آن نیست که دشمن اصلی راهبران و روشنفکران ما شاید نمی شناسند و یا فراموش کرده اند ؟ آیا کمرخ داد که نیروهای مبارز و مخالف رژیم اسلامی بجای هدف قرار دادن دشمن اصلی یکدیگر را مورد حمله قرار داد و بدین ترتیب مرز بین دشمنان واقعی و دستاورد حقیقی مردم را مخدوش نمود و دست را بجای دشمن قلمداد کرد هاند ؟ ما با نمونه های بیشماری از این تشتت فکری و عدم مرز بندی روشن بین دشمن اصلی و دستان واقعی مردم رهبر و هستیم که آخرین آن درگیری بین حزب دمکرات کورستان و کومله (۱) میباشد . البته درگیریهای نظامی بارها بین حزب دمکرات کورستان و کومله رخ داد که هر بار کلیه

بقیه در صفحه ۲

شاید خواننده عزیز از تیرترین مقاله کی تعجب کند و بیان دارد : این موضوع بقدری واضح است که هر کودک دبستانی هم ممکن است به آن پاسخ گوید . بقول معروف " آنچه که عیان است چه حاجت به بیان است . ولی با کمال تأسف باید اذعان کرد که اکثر قریب باتفاق رهبران و روشنفکران ما هنوز نتوانسته اند این مسئله بزرگ و اساسی را با صراحت و روشنی جواب دهند . برآستی اگر رهبران و روشنفکران ما این موضوع مهمل را بد رستی نشان داد و همه میدانستند دشمن اصلی مردم ایران کیست آیا این همه مشتت ، سردرگمی و چند دستگی های غیر اصولی و خصمانه های که نیروهای آزاد یخواه با آن رهبر و هستند ، لا اقل تا حد و دی کاهش نمی یافت ؟ آیا آن انرژی و نیروی که امروز در راه اختلافات وجد الهای بیشمار

گزارشی:

درباره جلسه جامعه های دفاع از

حقوق بشر

بد نیال "فراخوان" و دعوتی که از طرف دفتر هماهنگی جامعه های دفاع از حقوق بشر در ایران بمناسبت سالروز صد و پنجاهمین سالگرد جهانی حقوق بشر" بعمل آمد ، برنامه مخصوصی در تاریخ دوشنبه دهم دسامبر ۸۴ (برابر با ۱۹ آذر ۶۳) در پاریس برگزار گردید که با استقبال بقیه در صفحه ۱۴

"پرده برداری از رازهای پنهان

شیطان بزرگ"

(پیرامون اشغال سفارت آمریکا)

خط امام" جلب نظر میکند . (۴ آبان ۶۳ کیهان) اخیراً در رامپمایی به مناسبت اشغال سفارت آمریکا کسه در تهران برگزار گردید ، رامپمایان طی قطعنامه ای خواستار "تدریس اسناد لانه جاسوسی و تحقیق پیرامون سیاستهای آمریکا در بقیه در صفحه ۴

بیش از سه سال است که از تسخیر سفارت آمریکا بدست دانشجویان پیرو خط امام" میگذرد . پس از گذشت این مدت بانگهای به روزنامه های رژیم جمهوری اسلامی هنوز هم عتابین و تیرهایسی از قبیل "پرد برداری از رازهای پنهان شیطان بزرگ" بوسیله دانشجویان پیرو

دشمن اصلی مردم

نیروهای آزاد یخوام را بسیار متأسف و اندوهگین نمود. رژیم اسلامی و طرفدارانش را شاد و راضی کرد. در این میان سازمان مجاهدین خلق ایران با مطرح کردن شعار "مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحله کنونی" دشمن اصلی رادرفرد خمینی خلاصه میکند و می‌داند که با مرگ وی رژیم هم به پایان خواهد رسید. در حالیکه آقای بنی صدر همزمان در دشمن دولت عراق رژیم جمهوری اسلامی - را اصلی می‌شمارد و میگوید همزمان باید با هر دو جنگید. برخی دیگر دشمن اصلی رانند درون کشور بلکه در خارج از مرزهای ایران معرفی میکنند. یکی "امپریالیسم آمریکا را دشمن اصلی خلقهای ایران" میدانند و دیگری اتحاد شوروی را و سومی عراق و بی انگلیس را، از طرفی رژیم جمهوری اسلامی اکثرًا در ابر قدرت آمریکا و شوروی "رادشمن اصلی معرفی مینماید. در حالیکه دو جناح متخاصم درون رژیم اسلامی هر کدام، یکی آمریکا را شیطان بزرگ میخواند و دیگری اتحاد شوروی را و مشخص خمینی هم بمناسبتهای مختلف گاه آمریکا، گاه شوروی و گاه انگلیس و گاه هر سه رادشمن اصلی مردم ایران معرفی میکند. بنابراین خواننده عزیز ملاحظه میکند که مسئله‌کمی پیچیده است و عدم محل همین مسئله و برخورد غلط ناشی از آن است که اختلافات و درگیریهای غیر اصولی و فرعی در درون اپوزیسیون به دشمنی‌های کینه‌توزانه و اصلی تبدیل شده است.

به همین دلیل پرداختن به این مسئله - که دشمن اصلی مردم ایران کیست؟ - یکی از اصولی‌ترین و مهم‌ترین وظایف کتیبه آزاد یخوامان و نیروهای ملی و مکررات است. و تا این مسئله اصولی و عمدتاً محل نگرانی، جدالها و کشمکش‌های غیر اصولی ادامه خواهد داشت و مسئله تا بد آنجا رسد که حتی گروهی سازمان مجاهدین خلق ایران را بدتر از رژیم جمهوری اسلامی قلمداد میکند. و با اختلافات بصورت درگیریهای نظامی متبلور میگردد. بدین ترتیب گره‌کوری که میبایست بسدست آزاد یخوامان ایران بازگردد، باز نخواهد شد و رژیم اسلامی چهبا خمینی و یابدون وی بحیات خود ادامه میدهد.

۲- آیا دشمن اصلی داخلی است یا خارجی؟

یکی از اساسی‌ترین وظایف رهبران سیاسی در جنگها، مبارزات و جنبش‌های حق طلبانه مشخص نمودن دشمن اصلی است. شناخت دقیق و برخورد صحیح به این مسئله میتواند بعنوان یکی از عوامل اصلی در شکست و یا پیروزی

محسوب گردد. تاریخ مبارزات و جنبش‌های ملی در طول تاریخ معاصر ایران و شناخت رهبران سیاسی از دشمنان واقعی و دوستان حقیقی همواره عامل اصلی پیروزیها و شکستها بوده است. برای روشن نمودن مسئله میتوان پرسید که چرا مبارزات ضد استعماری و ملی در انقلاب مشروطیت و جنبش ملی بهربری دکتر مصدق شکست خورد؟ آیا اگر سران انقلاب مشروطیت و دکتر مصدق ارزیابی صحیح، علمی و دراندیشانانه از شرایط مشخص آن دوران جامعه ایران ارائه میدادند و در درون کشور میتوانستند با در نظر گرفتن تضادهای عمده و غیر عمده و تفکیک آنان از هم و شناخت از دشمن اصلی درونی و دوستان حقیقی، مردم ایران را در سازمان متشکل و نیرومند متحد کنند، هیچ قدرت بزرگ خارجی نمیتوانست ایران را به زانو افکند و یا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را به مرحله عمل درآورد؟

متأسفانه رهبران ما چون نخواستند و نتوانستند - بسا در اندیشه، از خود گذشتگی و قابلیت که لازمه پیروزی یک ملت ستمدیده و دردمند میباشد - از دشمن بزرگ سر نوشت سازد مبارزات ضد استعماری و مکرراتیک آموخته و در عمل به نتیجه‌گیری بپردازند، ملت ایران متحمل شکست موحش بزرگ دیگری که آنهمه روی کار آمدن یک رژیم مذہبی فاشیستی بود، شد. میگویند، تاریخ یک ملت همواره سیر صعودی و تکاملی را طی نمیکند و گنگاه میدید می‌آید که گنگاهتها حرکت یک جامعه متوقف میگردد، بلکه سیر نزولی و عقب‌گرد را هم می‌باید ولی گویا در ایران، تاریخ ۸ ساله اخیر تنها سیر نزولی را پیمود و این ضرب‌المثل قدیمی که "شکست مادر پیروزی است" در مورد وطن مصادق نیست. بنابراین مسئولیت سنگینی که بدو راز شعارها و انشای نویسی‌های متداول بر شانه آزاد یخوامان ایران سنگینی میکند اینست که نه از دشمن بلکه از سه‌شکست و بیش از همه از شکست طعموس کنونی که بر مراتب سخت‌تر و بزرگ‌تر از دشمن قبلی است - یعنی روی کار آمدن رژیم کنونی - عبرت گرفته همه جمعیندی علمی و راهگشا برای راه‌حلی علمی بپردازند.

البته برای تجزیه و تحلیل یک شیئی باید دید که باید قبل از هر چیز ویژگیها و تضادهای درونی عمده و غیر عمده را مورد تفکیک و بررسی قرار داد و اینکه چرا یک شیئی باید دید در گرونی شده و یا تغییر می‌یابد بستگی به علل و رشد تضادهای درونی آن شیئی و یاباید دید دارد. برای مثال در گرونی اوضاع ایران در بهمن ۵۷ که موجب روی کار آمدن رژیم اسلامی گردید را میبایست نه در توطئه و نه نا مه‌ریزیها و دخالت‌های قدرتمند

امری "منطقی" و "صحیح" جلوه‌گر میشود. بهمین علت است که برخی از افراد ورهبران سیاسی در گذشته و حال در ارای مواضع متزلزلی در قبال رژیم جمهوری اسلامی بود و هستند که نمونه‌هایی از آنها اخیراً مشاهده کردیم. و رژیم‌ها زیرکی تمام از همین مواضع سراپا اشتباه‌آمیز و انحرافی بهره‌مجوید و آنها را از مسیر مبارزه صحیح یاد دشمن اصلی داخلی دور میکنند.

۳- آیا دشمن اصلی در شخص خمینی خلاصه میشود؟

بسیاری بر این اندیشم بودند که با بمب گذاری ۷ تیرماه ۶۰ در مقر حزب جمهوری اسلامی و کشته شدن نزدیک به یکصد تن از سران اصلی رژیم، ارکان حاکمیت دولت جمهوری اسلامی در هم فرو خواهد ریخت، اما با سپری شدن روزها نتنها اتفاق تازه‌ای رخ نداد بلکه رژیم توانست بسرعت جای خالی کسانی را که کشته شدند بپوشاند با عواملی که از قبل در نظر گرفته بود پر کرد. همه تحکیم موقعیت خود ببرد از رژیم اسلامی در این بمب گذاری یکی از مهمترین عناصر خود را از دست داد. بیهود نبود که آقای ویلیا مسالیوان (۲) سفیر پیشین آمریکا در ایران بیان کرد: "مرد مورد علاقه و مورد نظر ما برای اداره ایران بهشتی بود، او هم قدرت و فهمد رایت اداره ایران را داشت. متاسفانه ۱۰۰۰ او را از بین بردند." (۳) اما فقدان بهشتی و دها تن دیگر از یاران وی که در تشکل حزب جمهوری اسلامی و ارگانهای رژیم نقش اساسی را بر عهده داشتند گویا کوچکترین خللی در حاکمیت بوجود نیاورد. بمب گذاری بعدی هم که با فاصله دو ماه در تاریخ ۸ شهریورماه ۶۰ روی داد و منجر به کشته شدن رئیس-جمهور باهنر و رجائی نخست وزیر رژیم گردید نیز تغییری در اوضاع پدید نیاورد.

از این دو حادثه مهم رطی مدت دو ماهه چنتیجه‌ای میتوان گرفت؟ جنگ قدرت پیچید هگا مینهان و گاه آشکار که جناح‌های درونی رژیم از روز بوجود آمدن حکومت اسلامی با آن درگیر بودند و اشکال مختلف بروز کرد. نبود اکنون بصورت دیگری مطرح میشود. جناح غالب در رژیم اسلامی پس از اشغال سفارت و سقوط دولت بازرگان و جنگ ایران و عراق اکنون بدان درجه از قدرت و تشکل رسید بود که نمیتوانست با بمب گذاری و از بین بردن عناصر قدرت جناح مخالف و متخاصم ابتکار عمل را کاملاً دست گیرد این امر نشان داد که رژیم جمهوری اسلامی با وجود جنگ ایران و عراق و مشکلات و تضاد های گوناگون دارای تشکیلات و سازماندهی منظم و پیچید های است. و همین تشکل و سازماندهی است که رهبران، تشوریسین ها و سازماندهندگان بقیه در صفحه ۶

بیگانه بلکه در رشد تضاد های درونی و بی شمار جامعه ایران مورد تحقیق و بررسی قرار داد. با وجود اینکه نقش و خالت قدرتهای بزرگ خارجی در تغییر اوضاع ایران بی تاثیر نبود و ولی عوامل تضاد های بی شمار داخلی بود که در بوجود آوردن رژیم جمهوری اسلامی نقش اساسی را بر عهده داشته است. البته در شرایط خاصی اگر یک دولت در موکراتیک و مردم مسی در ایران بوجود آید و در این هنگام میهن ما مورد تجاوز نظام مسی برخی قدرتهای بیگانه قرار گیرد، مسئله کاملاً شکل دیگری پیدا میکند. در چنین وضعی خواهی نخواهی دشمن اصلی همان دشمن تجاوزگر خارجی است و تمام ملت میبایست برای نجات میهن بپا خیزد و در جنگی سرنوشت ساز تا بیرون راندن دشمن خارجی به مبارزه‌ای همه جانبه دست یازد. ولی در شرایطی که یک دولت مذهبی - فاشیستی ملت ایران را بمبند کشیده و ایران را بیک زندان بزرگ تبدیل کرد و با زیر پا قرار دادن تمام اصول و حقوق بین المللی در جهت منافع و مطامع خاصی، میخواهد "انقلاب اسلامی" خود را صادر نماید و تمام منطقه و شاید جهان را به آشوب بکشانند، چه باید کرد؟

در حالی که تئوریسین های رژیمها زیرکی تمام و با تحریک دولت عراق توانستند جنگ ایران و عراق را بوجود آورند و با مطرح کردن جنگ - بعنوان مسئله اصلی ملت ایران - تمام مشکلات روز افزونی که با آن روبرو بودند را تحت الشعاع قرار دهند، آیا میتوان از "جنگ میهنی" چنین رژیمی دفاع کرد و با تحت لوای "حفظ تمامیت ارضی ایران" در شرایط کنونی در لشکر کشی ایران به عراق دشمن اصلی را یک یا چند کشور خارجی دانست؟ و با ابراز کرد که ملت ایران مواجها با دشمن اصلی یکی داخلی و دیگری خارجی است! متاسفانه برخی از افراد، شخصیتها و رهبران سیاسی متوجه این امر نیستند که نمیتوان بنا بر اصول علمی و واقعیتهای انکارناپذیر ایران با دشمن اصلی و در وجهه و ریک زمان روبرو بود. همین اشتباه بزرگ سیاسی، ایدئولوژیک است که آنان را در شرایط ویژه‌ای قرار میدهد که گاهی اوقات مجبورند از سیاستهای جنگ طلبانه رژیم طرفداری کنند. بدین ترتیب این گونه رهبران سیاسی مواجها این سوال روشن هستند که: آیا میتوان همزمان در دشمن اصلی داشت؟ اگر جواب این سوال منفی است باید پرسید که آیا این دشمن اصلی میتواند در شرایط کنونی یک دولت خارجی مانند عراق باشد؟ و اگر جواب مثبت است فوراً این نتیجه میرسیم که رژیم جمهوری اسلامی به دشمن غیر عمد و فرعی تبدیل میشود. و در این حالت خواهی نخواهی در مقابل دشمن اصلی خارجی یعنی دولت عراق امکان همراهی و همکاری در "جنگ میهنی" رژیم به

پرده برداری از

مدارس و دانشگاهها... گشتند.

(۴ آبان ۶۳ کیهان)

به گروگان گرفتن اعضای سفارت آمریکا در ایران یکی از جنجال برانگیزترین و پیچیده ترین مسائلی بود که در سطح داخلی و جهانی با زتاب و انعکاس وسیعی داشته است. در طی این مدت پیرامون اشغال سفارت آمریکا، چاپ اسناد سری سفارت، بازداشت و آزادی گروگانها... از جانب مسئولین رژیم جمهوری اسلامی، گروهها، شخصیتهای مختلف و همچنین از طرف محافل بین المللی مطالب و نظرات ضد و نقیضی ارائه شد. البته پس از گذشت این مدت بسیاری از حقایق پشت پرده عیانتر گشته اند.

۱- گروگان گیری

" انقلابی بزرگتر از انقلاب اول!! "

اشغال سفارت در شرایط زمانی خاصی در کشورمان انجام گرفت. این عمل که با برنامه ریزی ماهرانه و پیچیده ای زیر نظر دانشجویان پیرو خط امام " به رهبری " موسوی خوئینی ها " انجام شد، موجب تغییرات گوناگونی در سیاستهای داخلی و خارجی رژیم جمهوری اسلامی گردید. " دولت بازرگان " سقوط کرد و خمینی سی اشغال سفارت آمریکا را " انقلابی بزرگتر از انقلاب اول " نامید. و نقشی که " دانشجویان پیرو خط امام " باید ایفا میکردند به مرحله اجراء آمد.

در مورد اشغال سفارت آمریکا سوالات بیشتری مطرح می باشد. چه کسانی اشغال سفارت آمریکا را رهبری کردند؟ دانشجویان پیرو خط امام " کیستند و از کجا سرور آوردند؟ چاپ و انتشار اسناد تحت چه شرایط و با چه نظر گرفتن چه مسائلی صورت گرفته و میگیرد؟ ارفعاً اشغال سفارت برای ملت ایران چه بود

و با این عمل چه نصیبشان گشت؟ در سطح بین المللی با زتاب این مسئله چه بوده است؟

برای پاسخگویی به سوالات فوق پیش از هر چیز لازم و ضروری است که آزاد یخوفاً ایران اوضاع ایران را قبل و بعد از گروگان گیری مورد ارزیابی قرار دهند. اختلافات و کشمکشهای گروهها و جناحهای درون حاکمیت را قبل و بعد از این پدیده بررسی نمود و وجدان شعوری با فیهما و بواقیهات مشخص ایران تکیه نمایند.

از همان آغاز روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی وجود نیروها و گروههای گوناگون در درون حاکمیت و همچنین اختلافات بینماربین جناحهای مختلف به چشم میخورد. این اختلافات روز بروز گسترش بیشتری مییافت. با تسخیر سفارت آمریکا تضادها و کشمکشها بر سر کسب قدرت مشخصاً به نفع جناح مخالف " بازرگان " خاتمه یافت. و دولت بازرگان " نخست وزیر محبوب " به یکبار سقوط نمود. نخستین افشاگریها با " چاپ و انتشار اسناد لانه جاسوسی " در مورد کابینه بازرگان (امیر انتظام...) آغاز گشت و شدت ادامه پیدا کرد. درین این عمل رهبران رژیم جمهوری اسلامی نیز مکرراً بیان کردند که " بدون تسخیر لانه جاسوسی ما نمیتوانستیم انقلاب اسلامی را این چنین استوار نگاهداریم. " افشاگریهای " اولیه مشخصاً حول عناصر نزدیک به جناح بازرگان در ورمیزد طی بعد ها این " افشاگریها " متوجه سایر نیروها، افراد و گروههای مخالف گردید.

قبل از اشغال سفارت در دوران کوتاه حکومت دولت بازرگان آزاد یهای سیاسی نسبی در کشورمان وجود داشت. البته این آزاد یها روز بروز محدود تر و کمتر میگشت. اما پس از این عمل، سرکوب و نابودی آزادی، ایجاد جو خفقان و

وحشت بیشتر گشته و تهدیدها و تهدمتها و... فرضی یافت. پس از دستگیری امیرانتظامها و میناجیها روند تجا و زو تهدید به حریم مطبوعات بطور روز افزونی شدت گرفت. این اعمال که با نقض ابتدایی ترین آزادیها در زمینه های گوناگون همراه بود، با انفجار بمب در دفتر روزنامه ما آمد و به تعطیل کشاندن آن مشهور شد. سپس در ادامه این روند شاهد نمودیم که چگونه هر گروه، هر سازمان و فردی که کوچکترین مخالفتی با رژیم جمهوری اسلامی داشت یا بر حسب " آمریکائی " عامل صهیونیسم و آمریکا " دستگیر، شکنجه و اعدام گشت. از چاپ نشریات مختلف به دلیل اینکه دارای خط مشی " آمریکائی " و " ضد انقلابی " میباشند، جلوگیری بعمل آمد. تسخیر سفارت نه در جهت مبارزات " ضد امپریالیستی " آنگونه که برخی از گروهها همصدابا رژیم عنوان میکردند، بلکه دقیقاً در جهت اهداف ارتجاعی و به منظور منحرف کردن افکار عمومی، سوء استفاده از احساسات مردم و سرگرم نمودن آنان در تظاهرات جلوسفارت و از طرف دیگر ایجاد خفقان و سرقراری جو ترور و وحشت بیشتر باید به حساب آورد.

۲- موضع گیریهای نیروها

و گروههای مختلف

از میان احزاب و گروههای مختلف حزب توده بیش از هر حزب، گروه و سازمانی به طرفداری و حمایت از " دانشجویان پیرو خط امام " پرداخت. و با افتخار بیان نمود که در ردیف نخستین سازمانهای بود که " حمایت خود را از اقدام شجاعانه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام " اعلام کردند و روزنامه مردم بیشتر صفحاتش را به راهپیمایی های باشکوه جلوسفارت و سخنرانی های موسوی بقیه در صفحه ه

خوشینی ها اختصاص داد و مرتباً آنان را دانشجویان واقعا ضد امپریالیست و آگاه و نیروهای انقلابی و مترقی " معرفی نمود . متاسفانه برخی از گروهها و سازمانها نیز همصدا با عوامل رژیم و حزب تودشعار دانشجوی خط امام افشاکن ، افشاکن ... را سردادند و از اقدام ضد امپریالیستی اشغال لانه جاسوسی آمریکا از جانب دانشجویان " قدر دانی و حمایت کردند . اکنون همگان می بینیم که این ۳ افشاگرها " آنچنان ادامه پیدا کرده اند که حتی گریبان این سازمانها را گرفت و رژیم با برچسب عامل آمریکا و ضد انقلاب به سرکوب آنان پرداخت .

برخی از گروههای " چپ " نیز با آنکه ادعای " رهبری مبارزات انقلابی " را بر عهده داشتند ، بجای ارائه تحلیلهای علمی و منطبق بر واقعیات ایران گویا در عالم رویا بسربرد و بطوری که در این مورد اینگونه موضع گیری نمودند : اشغال سفارت آمریکا کار خود آمریکا میباشد ! (و اما پرسشی که مطرح میگردد این است که چگونه ولت آمریکا میخواست بدست خود چنین شکست سیاسی و لطمه عظیمی را در سطح جهانی متحمل شود ؟ آیا هدف آمریکا نمیتوانست این باشد که بدست خود اسنادی را که سالها برای جمع آوری آن وقت ، نیرو و هزینه های بسیاری را مصرف کرده بود ، بدین سادگی را اختیار عموم قرار دهد و باعث " شناسایی و افشای " عوامل و عناصر وابسته خود گردد ؟ در این مورد اظهار نظر تشویرسین های رژیم بدین ترتیب است که " ... برای سازمان جنبه سیاسی افشای مسائل تشکیلاتی آن سنگین خواهد بود چرا که تجربیات چندین ساله رجاسوسی و شیوه های مربوط باید در سطح گسترده ای تغییر داده شود " (۶ آبان ۶۳ اطلاعات)

عد های از رهبران آمریکان نیز اشغال

سفارت و گروهی را شکستی فاحش تر از شکست در جنگ ویتنام میدانند .

باید اذعان نمود که اشغال سفارت آمریکا به منافع آمریکا در سطح بین المللی ضرباتی سخت وارد گردیده است . البته ذکر این نکته - به منافع آمریکا ضرباتی وارد گردیده - دلیل بر آن نیست که هرگونه عملی که " ضد آمریکایی " بود عملی مثبت تلقی گردد . قبل از هر چیزی نقطه حرکت ما این است که آیا این عمل در جهت اهداف آزاد یخواهانه ، در جهت خدمت به منافع مردم ایران بود یا نه ؟ همانگونه که مشاهده کردیم پس از اشغال سفارت ، رژیم خمینی در جهت ایجاد جوخفقان و سرکوب آزاد یها ، از این مسئله نهایت درجه بهره برداری را بعمل آورد و در واقع اشغال سفارت هر چند هم که منافع آمریکا را در سطح بین المللی مورد مخاطره قرار داد ، اما بهیچوجه در جهت خدمت به منافع مردم ایران نبود .

و همچنین آیا اشغال سفارت یکی از عوامل نبود که باعث سقوط کارتر گشت ؟ سیاستمداران آمریکایی خود در این مورد در اوج بحبوحه گروهی و انتخاب ریاست جمهوری آمریکا اینگونه اظهار نظر کردند : " بحران گروهی و نگیری سبیل ناتوانی ماست . پیامبران اینست : مرا انتخاب کنید تا دیگر مجبور نباشید این مسائل را تحمل کنید . "

(نقل از کتاب بحران سخنان پات کادل و همیلتون جردن)

و آیا تشویرسینها و رهبران رژیم خمینی که با برنامه ریزی ظریف و پیچیده های اشغال سفارت بدست ... ؟ " دانشجوی خط امام " را طراحی کردند ، در مدت بیش از ۱ سال از مسئله گروهی و نگیری ، از ضعف و تزلزل کارتریخی و نهایت درجه بهره برداری را نکردند ؟ و تنها هنگامی

گروهانها را آزاد نمودند که پیروزی ریگان در انتخابات قطعی گشت ؟ و یکی از دلایل این مسئله ترس و وحشت عوامل رژیم از تصمیمات بعدی ریگان نبود هاست ؟ حال با تمام این دلایل آیا اشغال سفارت کار خود آمریکا میتواند باشد ؟ از طرف دیگر فرد شناخته شده ای چون " بازرگان " برخلاف نظرات فوق در این مورد چنین اظهار نظری نماید :

" من نمی گویم گروهی و نگیری که مقصد مه افشاگرها و خیلی چیزهای دیگر شد در دستور پیش طرح شد میاتحریک و توطئه خارجیها - اعم از شوروی ، انگلیس و خود آمریکا - بود . پرندها دیر باز بدست خواهد رفت و تاریخ قضاوت خواهد کرد ولی آنچه مسلم است عمل فوق صد درصد با خواسته ها و منافع شوروی انطباقی داشت و بیش از آنچه چیزی دستگیر ما شود ، بهر برای آنها داشت .

(انقلاب ایران درد و حرکتص ۱۷۷)

در مورد نظرات بازرگان و دلایلی که در این مورد ارائه میدهد به قول او تاریخ قضاوت خواهد کرد . ولی با تمام دلایلی که ذکر می نماید ، در این مدتی که خون بسیاری از آزاد یخواهان و نیروهای مخالف بر زمین ریخته شد و هزاران تن در زندانها بسر میبرند چگونه است که ایشان هنوز هم درینا رژیم پهلوی فعالیتهای " اسلامی " خود مشغول و از اما مزاده انتظار معجزه را دارند ؟

رهبران رژیم جمهوری اسلامی در طی این مدت با هیاهوی فراوان از مبارزات " ضد امپریالیستی " سخن رانده و مرتباً بیان کردند که " آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند . " اما در عمل حتی در رابطه با مسئله گروهانها نیز ادعاهایشان جامه عمل نپوشید و در آخر بر طبق بیانیه الجزایر که قرار بود آمریکا ۱ تا ۲ میلیارد دلار از حسابهای سد و شد و آزاد نماید ، بقیه در صفحه ۹

دشمن اصلی مردم

رژیم را از موقعیت خود مطمئن ساخته است. بنابراین میتوان برخلاف پیشگویی‌ها و نظرات مختلف ابراز کرد که رژیم جمهوری اسلامی بدون شخص خمینی هم میتواند بحیات خود ادامه دهد. حال آن کسانی که با ساد هاندیشی منتظرند با مرگ خمینی اوضاع ناگهان دگرگون شود و جناح‌های د روشی رژیم جانان هم اقتند و رژیم سرنگون گردد، حقیقتاً از واقعیت‌های موجود در ایران بسیار دورند. در این جاست که آنان دشمن اصلی را در فرد آیت الله خمینی مبینند و نه در رژیم جمهوری اسلامی. در این میان سازمان مجاهدین خلق ایران که هرچمبار ز مبر علیه رژیم را برافراشته و بحق موضع‌گیری‌های واقع بینانه و صحیحی در مورد جنگ ایران و عراق اتخاذ کرده، متأسفانه رژیم اسلامی را بعنوان يك تشکل و سیستمی که بصورت حاکمیت موجود در ایران تیلور یافته‌می بیند، بلکه با مطرح کردن شعار "مرگ بر خمینی شعار محوری کنونی" تنها شخص خمینی را هدف قرار میدهد. در حالیکه آیت الله خمینی تنها سخنگوی چشم‌وگوش بسته‌ی اراده رژیم جمهوری اسلامی است که بوسیله عناصر زبردست و کارکشته‌های هدایت میگردد. وی نه تنها در ۶ سال گذشته بلکه بطسور مشخص از سالهای ۴۲ به بعد بصورت آلت دست نیروهای مختلف سیاسی درآمده و به علت بی‌خردی و تعصبات خشک مذهبی دانسته‌می‌یاند آنسته همواره مورد استفاد هالفا کنندگان سیاسی بود هاست. بنابراین در وستان عزیز رهبری مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت بجاست در شعارهای خود نه شخص خمینی بلکه کل رژیم جمهوری اسلامی را بعنوان دشمن اصلی مردم ایران مطرح کنند و همانگونه که اخیراً در انتقاد از خود پیش قدمد و مواضع گذشته و اشتباه آمیز خود را در باره جنگ ایران و عراق مورد بررسی قرار داده اند، این امر مهم و اساسی را روشن کنند که موجب سوءتفاها متواشکالات بیشتر نگردد.

۴- دشمن اصلی مردم ایران

رژیم جمهوری اسلامی است

اگر در اوایل روی کار آمدن رژیم مردمناگامها خوش بساوری عوامانه فریب تبلیغات توطئه آمیز و روغین رهبران، تشویقیها و تبلیغین حکومت اسلامی را خوردند و تصور نمودند که د مکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی در ایران برقرار خواهد شد. اکنون پس از گذشت قریب به ۶ سال و مشاهد ه واقعیت‌های کنونی در ایران و عملکردهای ضد مردمی حکومت اسلامی و بر ملا شدن کلیه شعارهای عوام فریبانه، دیگر هیچگونه تردیدی باقی نمانده

که: رژیم عامل اصلی تمامی آلام و دردهای بیشمار کنونی میباشند و برآستی دشمن اصلی مردم ایران است. تازمانی که این رژیم به حیات خود ادامه میدهد مردم ایران روی آزادی، سعادت و خوشبختی و رفاه را نخواهند دید. امروز با اطمینان خاطر میتوان گفت که بجز ۵٪ اقلیتی محدود که منافعی در گرو حیات حکومت اسلامی است، ۹۵٪ از مردم ایران عمیقاً خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هستند. رژیم به علت تشککل فشرده و سازماندهی همین اقلیت ناچیزها تکیه بر زور سر نیزه و سرکوب مردم و استفاده از نقاط ضعف يك ملت و سپهر مبردار از فقر و روزافزون در بین طبقات زحمتکش، مانند هر پدیدهنفی و مخالف مسیر تاریخ توانسته بحیات خود ادامه دهد. ولی باید از عان نمود که تشکل این اقلیت محدود هم یک دست و خالی از اشکال نیست. وجود جناح‌های د روشی حاکمیت و موضع‌گیری‌های متضاد آنان در قبال: اشغال سفارت آمریکا، دولت بازرگان، ادامه جنگ ایران و عراق، مسئله افغانستان، روابط سیاسی خارجی، ملی کردن تجارت خارجی، اصلاحات ارضی و قانون کار و... آنان را به دو جناح مخالف و متخاصم تبدیل کرده است. البته جناح طرفدار سه مسئله مهم و تعیین کننده در سیاست‌های داخلی و خارجی (یعنی اشغال سفارت آمریکا، سقوط دولت بازرگان و ادامه جنگ ایران و عراق) امروز ۷۵٪ از مواضع کلیدی را در دست دارند و از نظر سازماندهی و تشکل بسیار قوی میباشند. در حالیکه جناح مخالف آنان در طی ۶ سال گذشته روز بروز مواضع خود را از دست داده و تشکلی ندارد و از یک پیراکندهی فوق العاده‌ای برخوردار میباشند و در نتیجه در بسیاری از موارد مجبور است باترس و لجز به سیاست‌های جناح غالب تن در دهد.

آزاد یخواهان ایران با توجه به وجود اختلافات بین جناح‌های رقیب، تشدید این تضادها را بنبغ نیروهای مرگ و تضعیف رژیم میدانند. ولی این بهیچوجه معنای آن نیست که بهیچیک از دو جناح ارتجاعی و خائف به ملت امید ببندند و از او انتظار آزادی ایران را داشته باشند. آری امروز ریکطرف نیروهای رژیم جمهوری اسلامی (با جناح‌های د روشی آن) به عنوان دشمن اصلی مردم ایران قرار گرفته و در طرف مخالف اکثریت قریب به اتفاق مردم و کلیه آزاد یخواهان ایران قرار دارند. بین این دو جنبه مخالف و متخاصم تضادی آشتی ناپذ وجود دارد. آزاد یخواهان ایران و نیروهای د مکررات، ملی و مترقی اگر تمام هم خود را معطوف به مبارزه با این دشمن اصلی مردم ایران کنند، مطمئناً با وجود تمام اشکالات و اختلافات لزوم

بقیه دشمن اصلی . . .

اتحاد رادربین خود در خواهند یافت . این است کلید اصلی مبارزه برای آزادی ایران !

یادداشتها

۱ - در تاریخ ۴ دسامبر ۱۹۸۴ کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران در بیانیه‌ای اعلام نمود که در رگبری بیسن نیروهای حزب د مکرات کردستان ایران و کومله ، کومله ۳ (تن از اعضای خود را از دست داده است و حزب د مکرات کردستان د اطلاعیه ۱۱ دسامبر ۱۹۸۴ اظهارات نمایند که کومله را رد کرده و مسئولیت د رگبری را بعهد ه کومله واگذار کرد . هم چنین تعداد کشته شدگان د طرف را ۱۶ تن اعلام نمود . د رپایان اطلاعیه ، حزب د مکرات کردستان اظهار نمود که برای پایان دادن به د رگبریها ، حزب د مکرات کردستان و کومله میبایست تمام نیروی خود را متوجه جنگ با دشمن واقعی مردم ایران کنند و بیان کرد که : « جای تاسف و تاثیر بسیار است که پیشمرگان حزب د مکرات کردستان و کومله بجای اینکه در جنگ علیه رژیم جمهوری اسلامی شهید گردند در جنگ با یکدیگر جان ببازند . »

۲ - رجوع شود به یادداشت‌های مقاله وظیفه آزاد یخواهان ایران چیست ؟ آزادی ایران شماره ۱

۳ - در تاریخ ۴ ماهه ۸۳ (۱۴ / ۲ / ۸۳) ویلیا مسالیوان ریاست سمیناری راتحت عنوان " انقلاب و مذهب : انقلاب ایران و خاورمیانه " برعهد ه داشت . د رپایان این سمینار ویلیا مسالیوان د ریاسخ به سوال یکی از ایرانیان گفت : « مرد مورد علاقه و مورد نظر ما برای ایران بهشتی بود . او هم قدرت و هم راییت اد ا را ه ایران را داشت . متاسفانه . . . او از میان بردند . (بنقل از مجاهد ۱۵۸ - ۹ تیر ۶۲)

بقیه ایران ، در . . .

تلفیفات د رراد بیوتلو یزین و مطبوعات ادعای مبارزه با شرق و غرب را دارد و در این کتاب هم آمده است که " د ر جمهوری اسلامی جای برای معاشات با یک ابر قدرت برای مبارزه با د یگری نیست . " هدف رژیم جمهوری اسلامی هم از انتشار این اسناد جز منحرف کردن افکار مردم از واقعیات و مشکلات روز افزون

د رونی جامعه و سوق دادن این افکار به این که رژیم جمهوری اسلامی با تمام قدرتها بزرگ خارجی مخالف است نمیباشد . ولی با گذشت زمان و آشکارتر شدن بیش از پیش روابط اقتصادی سیاسی رژیمها کشورها و قدرتها بزرگ خارجی که رژیم همیشه صحبت از مبارزه با آنها را دارد بار دیگر پیچی شعار " نه شرقی ، نه غربی " رژیم ، بر همگان روشن میشود .

شعر

ز گریه مرد چشمم نشسته در خونست
بیاد لعل تو و چشم مست میگونت
زمشرق سرکوی آفتاب طلعت تو
حکایت لب شیرین کلام فزها دست
د لهجوه که قدرت همچو سرود لجبوست
زد و ریاد هجان ، راحتس رسان ساقس
از آن زمان که ز چشم برفت رود عزیز
چگونه شاد شود اندرون غمگینم
بین که رطلبت حال مردمان چونست
ز جام هر می لعلی که میخورم خونست
اگر طلوع کند طالعم همایونست
شکج طره لیلی مقام مجنونست
سخن بگو که کلامت لطیف و موزونست
که رنج خاطر ماز جور د ور گردونست
کار دیده من همچو رود جیحونست
باختیار که از اختیار بیرونست

زی خودی طلب یار میکند حافظ
چو مفلسی که طلب کار گنج قارونست

« حافظ »



پرواز مرغان آزاد

تو دید های ، در آسمان بلند
پرواز مرغان سبک بال آزاد را ؟
که چگونه باد بر بالهایشان
بوسه میزند ؟
و شوق پرواز و آوای سر مستی و فرور را ؟
پرواز مرغان آزاد
برموج باد و ابرهای سفید دور
میان انوار خورشید با مداد ان
که رافق نا پدید میشوند ؟

آه . . .
تو چون مرغی اسیر د ریندی و از دور
بر پرواز مرغان آزاد
مینگری
ومن . . .
د رشوق د دیدار تو
د سرزمینی د گر
پرواز میکنم ،
تابسوی تو باز گردم . . .

« محروق »
پاریس ۳۰ / ۱۱ / ۸۴

رژیم خمینی = رایش سوم

جنایات رژیم جمهوری اسلامی نسبت به زندانیان سیاسی و مخالفان خود و نقض ابتدائی ترین موازین حقوق بشر در ایران موضوع جدیدی نیست. اما گزارش ۱۱ اکتبر (۱۸ مهر ۶۳) سازمان صلیب سرخ بین المللی در مورد مشاهدات سه نماینده خود از شورش اسرای عراقی در اردوگاه گرگان که منجر به کشته شدن حداقل ۶ اسیر عراقی و زخمی شدن تعداد زیادی از آنان بوسیله نگهبانان گشت، در سطح بین المللی انعکاس و بازتاب وسیعی داشته است. به گفته آقای الکساندر هسی رئیس سازمان صلیب سرخ بین المللی: کشتن اسرای عراقی در گرگان تنها حادثه از این نوع نبود و بر طبق تحقیقات صلیب سرخ تاکنون حوادث مشابهی در اردوگاه های اسرای عراقی روی داده است.

مقامات رژیم جمهوری اسلامی در مورد حادثه اردوگاه اسرای عراقی با عمل انجام شده های روبرو گشته و مانند جانوری وحشی که در گوشه های گرفتار شده، برای دفاع از خود به حملات دیوانه واری دست زده است و برای رهائی خود از این محاصره صلیب سرخ راه جاسوسی برای عراق و آمریکا متمم میکند. به دنبال این حملات افترا آمیز در چند هفته اخیر نمایندگان سازمان صلیب سرخ بین المللی در تهران چندین بار به مرگ تهدید شده اند و رژیم ایران امید و اراست با تهدید و تحت فشار قرار دادن آنان صلیب سرخ را وادار به خروج داوطلبان از ایران نماید. تا اینکه بدون مزاحمت هر طوری که میخواهد با اسرای عراقی رفتار کند.

همه میدانیم که از آغاز جنگ ایران و عراق رژیم جمهوری اسلامی با تبلیغات بسیار تلاش کرد تا با شستشوی مغزی و زور سرنیزه اسرای عراقی را به دادن شعاها

ضد دولت عراق و طرفداری از رژیم جمهوری اسلامی وادار نماید و با کشاندن آنان در تظاهرات و راهپیمایی های نمایشی مختلف صهرمرداری تبلیغاتی از آنان استفاده کند. بر طبق گزارشات و شواهد مختلف چنین برمی آید که سران رژیم در صدور تند حتی اسرای عراقی را به جبهه های جنگ اعزام نمایند و جبهه سائاکون عده ای از آنان را نیز روانه جبهه ها کنند. بنا به گفته رفسنجانی سخنگوی شورای عالی دفاع رژیم "معارفهارا از خود مان میدانیم و فکری کنیم اکثریت آنها بجز گروهی بعضی که امید به آنها نیست باید در آیند در خدمت اسلام قرار بگیرند و ما آنها را تربیت می کنیم".

(کیهان ۹ آبان ۱۳۶۳)

رفتار رژیم ایران با اسرای جنگی خود بر ضد اصول کنوانسیون ژنو است که خود ایران یکی از امضا کنندگان آن میباشد. یکی از مسئولان صلیب سرخ در ژنو با باز نمودن که بخاطر نمی آید از طرف هیچ دولتی سازمان صلیب سرخ تا این اندازه تحت فشار قرار گرفته باشد و مسئول دیگری ایران را با آلمان هیتلری مقایسه کرد که در جنگ جهانی دوم نازیها به نمایندگان سازمان صلیب سرخ اجازه دیدن اسرای روسی و زندانیان یهودی را ندادند.

در این رابطه در ۷ دسامبر سفرای کشورهای بازار مشترک در تهران از علی اکبر ولایتی وزیر خارجه ایران درخواست کردند جلسه ای تشکیل دهند تا بتوانند به حملات تبلیغاتی رژیم ایران و تلاش برای بی اعتبار ساختن صلیب سرخ اعتراض نمایند. این اعتراض بدنبال درخواست سازمان صلیب سرخ در تاریخ ۲۳ نوامبر از ۱۱ کشور امضا کنند کنوانسیون ژنو در مورد سرنوشت نامعلوم ۵۰۰۰۰ اسیر عراقی در ایران میباشد.

تلاش برای فروش نفت بیشتر

از اواسط بهار اسامیل بعثت گسترش درگیریهها و حملات جنگی به نفتکش های خارجی در منطقه خلیج فارس، صدور نفت ایران به میزان قابل توجهی کاهش یافته و در نتیجه به اقتصاد کشور فشار زیادی وارد نمود. به گفته ناظران آگاه میزان ذخایر ارزی رژیم به سطح نگیران کنند های رسید بطوریکه در عرض ۸ ماهه کمتر از نصف خود تقلیل یافته است. مقدار مبلغ این ذخایر که ۴ میلیارد دلار میباشد فقط کفاف کمی بیش از ۳ ماه واردات را میدهد. بنابراین برای رفع این بحران از اواسط اکتبر اسامیل رژیم جمهوری اسلامی برای جلب مشتری و فروش نفت تخم سبک خود تخفیفهای قابل توجهی (۲۰ الی ۲۵٪) دلار از نرخ تعیین شده ها و یک برای هر بشکه برده است. برای اطلاع خوانندگان لازم است متذکر شویم که مقدار تولید نفت خام در ایران که در مارس اسامیل ۲/۴ الی ۲/۳ میلیون بشکه در روز بود به ۱/۷۵ میلیون بشکه در روز رسیده است. در همان زمان صادرات نفت از حدود ۲/۵ میلیون بشکه در روز به ۱ میلیون بشکه کاهش یافت. اگر رژیم جمهوری اسلامی از شروع سال جاری مقدار ۲/۵ میلیون بشکه در روز را صادر میکند، در آمد حاصله از آن تا پایان اسامیل به ۲۷ میلیارد دلار میرسد. اما چنانچه در بالا گفته شده به دلیل ناامنی خلیج فارس و افزایش سرسام آور نرخ بیمه، مقدار فروش نفت کاهش یافت و رژیم ایران با بحران ارزی مواجه ساخته است.



آدرس جدید:

SAYADI
B.P. 211
92220 BAGNEUX
CEDEX, FRANCE

پرده برداری از

تنها ۳ میلیارد دلار از این مقدار را دولت ایران دریافت نمود و توجیه این مسئله رفسنجانی ادعا کرد که: "۱۰۰۰ میلیارد مقابل جلوس ادوات میلیارد هابشکه نفت به آمریکا اگر فیم". (۲) (آبان ۶۳ کیهان)

۳- "خط امام" و خط "استقلال"

همانگونه که در بالا اشاره گردید تسخیر سفارت آمریکا و گروگانگیری، ناشی از جنگ قدرت و کشمکشهای جناحهای درونی حاکمیت بود. است و بعد از آن اختناق و سرکوب آزاد بهار روز بروز بیشتر اوج گرفت. علاوه بر آن تشویر پستیهای رژیم پس از این عمل تمام کوشش خود را بکار بردند که ثابت کنند، رژیم خمینی رژیمی ضد امپریالیستی است. البته در این رابطه "انشجویان پیرو خط امام" گاه بنا بر مصلحت مواضع ضد و نقیض را اتخاذ نمودند. آنان گاه مانعان میکردند که دشمن اصلی آمریکا است و هرگونه کوچکترین انحرافی در این شعار صورت گیرد به نفع امپریالیسم آمریکا است و یا "بهرد نه شرقی، نه غربی امام، نه سرد با آمریکا است." و در مورد موضع نه شرقی و نه غربی در مصاحبه های اولیه خود چنین بیان میکردند:

"در مورد این شعار بسود غرب و به بهای عمد کردن شوروی بعنوان دشمن اصلی انحرافات صورت گرفته است. در حالیکه همانطور که ما فرموده است، دشمن اصلی ما شیطان بزرگ - جرشومفساد - امپریالیسم آمریکا است. امام گفته است: هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا جنایتکار بکشید. اگر چه تا تسخیر لانه جاسوسی راه خیلی از انحرافات بسته شد، اما بنظر من آید با توجه به یک رکود داخلی، در ارتد، شرقی را عمد میکنند در حالیکه مفهوم شعر

نه شرقی، نه غربی رد هرگونه وابستگی است. فیدل کاسترو هر یکوا گفته است: در حقانیت انقلاب ایران همین بس که هر جا محرومیتی است طرفدارانقلاب ایران و هر جا قدرت مستکبری است مخالف انقلاب ایران است." (۱۵/۱۳/۸۰ اطلاعات، هشتاد و شش دانشجویان پیرو خط امام ۰۰۰)

و اما اکنون همین "دانشجویان پیرو خط امام" پس از گذشت ۵ سال بنا به دلایلی به افشای اسناد مربوط به ۳۰ سال مذاکره آمریکا و شوروی در ایران پرداخته و حتی در مقدمه اولین کتاب از سری اسناد لانه جاسوسی در رابطه با شوروی، با عنوان "شوروی شرق تجاوزگر" که شامل ۷ جلد میباشد و تا زنگی ۲ جلد آن را منتشر کرده اند چنین می نویسند:

"امپریالیسم و کمونیسم دو رژیم ظاهر متضاد، جدای از مفاهیم کلاسیکشان دو نمود از یک انگیزه ماند برای یک هدف تلاش میکنند و آن قطع انسانیت از انسان است و هدایت به وادی حیوانیت. هر دو افکار را به بردگی خود سپردگی از خدای کشند و تفاوتی نمیکند که این بردگی

دوستان عزیز خواننده:

هیئت تحریر آزاد ایران با اعتقاد به اصول مکرانیک و آزاد یخواهان و در هر نوع خشک اندیشی و دگرگرافی غالبی، به نظریات مخالف احترام میگذارد. ما امید داریم که تنهاد ریک جو سالم و مکرانیک از طریق برخورد عقاید گوناگون و متضاد است که حقیقت عیان میگردد و تفکر صحیح راه خود را میگذاید. برای ما نامه نویسی و ما را از پیش شناسادات و انتقادات خود - در مورد نشریه آزادی ایران - مطلع کنید. ما به عقاید و اعتقادات

بردگی آمریکا باشد یا شوروی، به بردگی امپریالیسم یا بردگی کمونیسم." (نقل از کیهان ۱۹ آبان ۶۳) پس همانگونه که می بینیم "دانشجویان پیرو خط امام" بنا به دلایلی به سرخ روز نان میخورند برای آنکه پس از ۵ سال ثابت کنند که رژیم خمینی مستقل از قدرتها بزرگ است، ناگهان به یجاد کشف اسناد سری در رابطه با "شرق تجاوزگر" افتاد هاند. در صورتیکه در مورد وابسته بودن رژیم ارتجاعی خمینی همین بس که هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصاد ی در جهت منافع خاصی وابسته به قدرتها خارجی میباشد.

خواننده عزیز، تشویر پستیهای رژیم با اشغال سفارت آمریکا اهداف خاصی را در سر داشتند. که به آن جامعه عمل نیز پوشاندند. در این مقاله کوچک به نکاتی چند اشاره گردید. بحث در این زمینه فراوان است و بسیاری از ناگفتنیها باقی است که امید داریم در فرصتهای بعدی به آن اشاره گردد. البته هر نوع نظریه جدید و بیانتقادی در این زمینه را با کمال میل بازگو بررسی خواهیم کرد. سن - بزرگمهر

شما ارج میگذاریم. شما میتوانید هرگونه نظری را در باره سایل ایران، اپوزیسیون و امر د مکراسی دارید، برای ما ارسال نمائید. مطمئن باشید کوشش میشود که نظرات شما را بدون سانسور منعکس کنیم. نشریه آزادی ایران متعلق به تمام آزاد یخواهان ایران است. ما هیچگونه شرط و قیدی را برای چاپ نظریات مختلف قایل نمیشویم و در حد امکانات خود حاضر هستیم که زمینه عملی برخورد عقاید گوناگون مخالف را فراهم آوریم.

ایران، در ماهی که گذشت

وضع آوارگان جنگی

"جنگد رراس همه" امراست.

هنوز هم این گفته خمینی سرلوحه کار اکثر مسئولین رژیم جمهوری اسلامی است. اما با ادامه و طولانی تر شدن جنگ که بود جمعظمی رابه خود اختصاص داد و روز بروز بر مشکلات ناشی از آن که بر دوش اکثر مردم ایران میباشند، افزوده میشود. یکی از این مشکلات فراوان مسئله آوارگان جنگی است که نهنتها تا کسون قد می برای بهبود وضع آنان برداشته نشده، بلکه همواره وضع آنان وخیم تر میشود.

هم اکنون درحدود ۳ میلیون آواره جنگی در نقاط مختلف ایران وجود دارند که مجبورند با حداقل امکانات در بدترین شرایط زندگی کنند. انسان تا کون چندین بار دست به تظاهراتی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و ادامه جنگ زد مانند. وضع آوارگان جنگی چنان اسفبار است که حتی نمایند هخرمشهر در مجلس مجبور میشود به گوشه کوچکی از این واقعیتهای تلخ اقرار نماید. در این رابطه در کیهان ۱۰ آذر یونس محمدی نمایند هخرمشهر با اشاره به اینکه مشکلات آوارگان هر روز فزون یافته و پیچید م تر میشود و همچنان لا ینحل باقی ماند هاست میگوید:

"در سال ۶۳ بود جهای که برای مهاجرین تصویب شد، چهار میلیارد و دویست میلیون تومان بود که هفای را خود کفایه مقیم هخر نفر د رحدود ۱۱۰ تومان و دریا ل میرسد که باید بوسیله آن غذا و پوشاک و دارو و لوازم خانگی و لوازم تحصیلی و هها هزینه د یگر راتا مین کنند. آیا میتوان با این مبلغ ناچیز زندگی یک

انسان را اداره کرد؟"

وی در ادامه سخنانش میافزاید:

"به مسئولین بنیاد میگویم چرا جیره مهاجرین را قطع کرده اید، چرا مشکل سکن و اشتغال را هنوز نتوانسته اید حل کنید میگویند بود جه کم است. متاسفانه برای سال آینده مبلغ ۳ میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان در هیئت دولت تصویب شد که از بودجه سال کمتر است و با این وجود هزاران مشکل جنگزدگان لا ینحل باقی میماند." او در ادامه سخنان خود به بزرگترین مشکل مهاجرین که حکم تخلیه سکن آنهاست اشاره نمود و گفت:

"آوارگان جنگی تا کون یاد خوابگاهها و خانههای متعلق به نهادها و ادارات و اشخاص زندگی کرده اند که مرتباً از طرف بعضی از آنها جهت تخلیه در فشار هستند و متاسفانه قوه قضائیه من توجه به مصیبت آنها مرتباً حکم تخلیه صفا در می کنند و هر مشکلا تشان می افزایند، و با درجاد رها و کپرها زندگی میکنند و چند نفر د ریک اطاق و گاهی چند خانواده در یک اطاق و این وضع قابل تحمل نیست و در پایان وی از مسئولین بنیاد امور مهاجرین تقاضا کرد که از قطع جیره که مهاجرین را شدیداً انگران و ناراحت کرده و در فشار قرار داده بخود داری کنند.

شنیدن این سخنان از زبان یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی کتنها گوشه کوچکی از واقعیت را عیان میکند، شلن میدهد که وضع آوارگان جنگی جهانندازه وخیم و اسفناک است.

آری مشکلات آوارگان جنگی میهن ما هم یکی از انبوه مشکلات درونی جامعه میباشند که رژیم جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه بنا بر ماهیت درونی خویش قادر به حل آنان است.

تشدید اختلافات در سپاه پاسداران

در چند ماه اخیر یعنی پس از به اجرا گذاشتن طرح سازماندهی جدید سپاه پاسداران در مهرماه، اختلافات درونی سپاه پاسداران شدت پیدا نمود هاست، بر طبق این سازماندهی، رژیم از طریق سپاه منیروی بیشتری رابه جبهه های جنگ اعزام داشته و نظم و انضباط سخت تر و شدیدتری را در بین آنان برقرار کرده و این مسئله باعث بروز این تضادها گردیده است. این اختلافات بدون شك از رقابت و کشمکش جناحهای درونی رژیم سرسبب قدرت، نمیتواند جدا باشد. تشدید این تضادها در سپاه پاسداران به عنوان بازوی مسلح و حافظ منافع رژیم، وحشت سردمداران رژیم را فراهم آورده است. زیرا احاد شدن این اختلافات، ارکان حکومت را متزلزل کرده و به واژگونی آن کمک خواهد نمود. بطوریکه خامنه ای در سمینار مشترک نمایندگان خمینی و فرماندهان سپاه پاسداران در ۱۸ آذر ۶۳ نگرانی خود را چنین بیان میکند: "بخشی احساس میشود که دستهای درند تا از خارج سپاه، اختلافات را در سپاه متزریق کرده و انسجام منبروهای مومن و فدایکار را تضعیف کنند." او اینگونه سخنانش ادامه میدهد: "سپاهیک نیروی دارای تفکر و اندیشه سیاسی است اما این مسئله با وابستگی باند ها و جریانهای سیاسی باید تمیزد ان شود و به هیچوجه رتشکیلات سپاه اثر نگذارد. هیچ شائبه ای نباید یکپارچگی سپاه را مختل کند."

(روزنامه جمهوری اسلامی ۱۰ آذر ۶۳) و فسنجانی در طی دیداری که هفتانروز با گروه فوق بعمل میآورد، میگوید: یکی از ساد هاند پیشیهای که از افراد با حسن نیت

سرمیزند و باید مواظب بود، آن است که در شرایط جنگی فعلی اتحاد و اتفاق مثل نان شب و مثل گلوله سرباز در حال افند ضرورت دارد. اگر خدای ناکرد هاین اتحاد بین ارتش و سپاه و بین ارتش و سپنج و ژاندارمری و شهرستانی و بین کمیته و سپاه و بین افراد خود سپاه و افراد خود ارتش و غیره مخدوش شود، بسیار خطرناک است. می بینیم چگونه رهبران رژیم از حاد شدن هرگونه اختلافی که به موقعیت آنان لطمه وارد نماید، وحشت زد میشوند. آنان در رفته های خود از ایجاد وحدت و اتحاد بین خود صحبت کرده و تلاش و کوشش فراوانی به عمل می آورند تا از امن زدنی به اختلافات بین خود، جلوگیری نمایند. اما با توجه به موضع گیری رهبران رژیم جمهوری اسلامی در قبال رویدادها و تصمیم گیری های اساسی سیاسی داخلی از قبیل جنگ، ملی کردن بازرگانی خارجی تقسیم اراضی مزرعی و... مشاهده می کنیم کفلی رغم این تلاشها، اختلافات و تضاد های آنان به صورت در جناح عمده رقیب، متخاصم و آشتی ناپذیر در رون رژیم متبلور می باشد.

شگرد تازه رژیم

بود چه عمومی ارائه شد از طرف دولت موسوی برای سال آینده، نسبت به سال ۶۳، ۳ میلیارد ریال کسری دارد. رژیم خمینی برای جبران این کسری بودجه به راههای مختلفی متوسل شد. از جمله بانکی رئیس برنامه بودجه رژیم در گفتگوش اختصاصی با کمیته انحصار ف می کند: "برای جبران کسری بودجه ولین و تنهاترین و سالمترین راه افزایش درآمدهای مالیاتی است. ما باید بالا خره به این مسئله متن بدیم که گرفتن مالیات واجب است و باید این فرهنگ مملکت که همیشه از مالیات فرار میکردند، تغییر کند. این

مهمترین کار است ما می که اینکار نشد به یک سری مالیاتهای غیر مستقیم و درآمد های غیر مستقیم می آوریم. که ما امسال نیز در بودجه همین کار می آوریم و این مسلمانها را از استقراض و استفاده از نفت می باشد." (کمیته ۷ آذر ۶۳)

روشن است که فشار عظیم این مالیاتها طبق معمول بردوش طبقات متوسط و زحمتکش جامعه خواهد بود. اما اخذ مالیات "تنهاترین" راه برای جبران کسری بودجه نیست بلکه رژیمها موزیگری دست به شگرد های دیگری زد هاست.

چنانچه و ایل سال تحصیلی جاری از طرف آموزش و پرورش طرحی ارائه شد که به موجب آن اولیادانش آموزان با اصطلاح برای مشارکت در امور مدرسه موظف به پرداخت شهریه شدند. ولی این امر با اعتراض مردم روبرو شد و با شکست مواجه گردید. اینبار نیز رژیم برای جبران کسری بودجه اش به "ابتکار" دیگری دست زد و در این رابطه ناطق نوری وزیر کشور ریگ کفرانسیس مطبوعاتی بعد از سخنانی در رابطه با طرح خود کفایتی شهر دارینها و اینکه مردم مهر شهری باید بودجه شهرداری را تامین کنند گفت: "بیت المال بودجه کشور فقط مختص شهرداری نیست و هر روستاها و بخشها و استانها نیز متعلق دارد. لذا این درست نیست بودجه ای که سهم همه ملت ایران است و روستائیانش اکثریت جمعیت را تشکیل میدهند، صرف خدمات شهری شود. بهترین است که خود مردم این بودجه را تامین کنند."

(کمیته ۱۴ آذر ۶۳)

مشاهده می کنیم چگونه رهبران رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی بهمانه در لاسوزی برای روستائیان و واپس کشیدن "مشارکت" مردم را مورد کشور و نتیجه با وارد آوردن فشار اقتصادی هر چه بیشتر به مردم و میخواهند راهگریزی برای جبران

کسری بودجه خود پیدا نمایند.

اسناد سری

"مذاکرات شوروی و آمریکا بر سر ایران"

در اطلاعات ۱۹ آبان به نقل از "دانشجویان پیرو خط امام" اعلام شد که اسناد سری مذاکره آمریکا و شوروی بر سر ایران طی ۷ جلد کتاب در دست انتشار است که ۲ جلد آن تحت عنوان "شوروی شرق تجا و زرگر" منتشر شده است. در این کتاب بیشتر شرح ملاقاتها و مذاکرات نمایندگان سفارت خانه های شوروی و آمریکا و اینکه این مذاکرات برحول منافع و کشورهای کورد و میزد، همراه با اسناد آمد هاست. با ارائه تمامی این اسناد رژیم کوشش کرد هاست که سیاست خود را سیاستی مستقل به مردم نشان دهد. ه سال است که از اشغال سفارت آمریکا توسط "دانشجویان پیرو خط امام" میگذرد و اکنون بر همگان روشن شده است که این عمل با نقشه قبلی وطنی یک برنامهریزی دقیق صورت گرفته بود. پس از اشغال سفارت آمریکا هر زمان که لازم میشد و موقعیت ایجاد میکرد، یکی از احزاب و گروهها و شخصیتهای سیاسی از گردونه قدرت خارج شوند یکی از این اسناد در رابطه به مقتضای وضع و احوال آنان منتشر میشد. البته این امر جد از تضاد های درون حاکمیت نبود. و لسی نکته ای که قابل ذکر میباشد اینست که چرا پس از ه سال وارد داشتن تمامی این اسناد "دانشجویان پیرو خط امام" تازمه فکر انتشار آنها افتاد هاند و اینبار هدف آنها از انتشار چنین اسنادی چیست؟ همانطور که می دانیم رژیم جمهوری اسلامی با سعی و کوشش فراوان میخواهد خود را کشوری مستقل معرفی کند و تمام بقیه ر صفحه ۷

بقیه گزارش می...

در رابطه با منی دادگاه انقلابی (از جمله در کردستان و صد و حکم اعدا تعلیقی برای یکی از "توابین" توسط حزب کمونیست ایران) اعتراض نموده که چرا در رابطه با دادگاه تمام دادگاههای انقلابی را بیک چوب راند و فرصت خواست تا ضمن پرسش سئوالات، نظرات خود را در این مورد تشریح نماید و ادامه داد که: در مورد محتوی حقوق بشری نیست باید دید نیروی متحرک اجتماعی و ضامن اجرای این حقوق بشر چه کسانی هستند و در مورد حکم دادگاهی که آقای حکمت اشاره کرده بودند توضیحاتی داد و همه مقاله‌ای که در این زمینه در نشریه کومهله منتشر شد است، ارجاع کردند. آقای حکمت به پیشنهاد جواب دادند که: قوانین شما (کومهله) از کجا می‌آید؟ ما محق نیستیم "توابین" را مجازات یا اعدام کنیم. ما در قوانین خود جرمی بنام "توابین" نداریم. شما بدون اینکه قوانینی در جامعه تعریف شده باشد مجازات دست زد باید. حتی اگر این دادگاه خیلی در مکرانیک هم انجام شده، این خود کامی است. بند ما اعدام مخالف، هر کس از مردم ایران میتواند نظری داشته باشد تا زمانیکه در محیطی در مکرانیک مردم ایران این قوانین را وضع نکردند ما و شما حق اینگونه محاکمات را نداریم. اینجا حقوق بشر نقض شده است. (ولی البته اینکارها با کار رژیم خمینی یکسان نیست). در این مورد آقای لا هیچ نیز اضافه نمودند: هر کس حق تشکیل دادگاه را ندارد. دادگاه حق یک مرجع مستقل و بیطرف است. در ضمن تذکره داد شد که چون اینک قسمت سوال و پاسخها است، در پایان در صورت وجود وقت به ایشان فرصت داده خواهد شد.

★ یکی دیگر از حضار سئوالات و نظرات خویش را چنین عنوان کرد: در مورد

چپ سنتی هم، همراه بیک دید نگاه کردن غیرد مکرانیک است. شما ضمن محکوم کردن عمل دادگاههای انقلابی، چیزی جایگزین آنها نمی‌کنید. در کردستان با در نظر گرفتن آنکه منطقه‌ای آزاد شده است تکلیف این نیروهای انقلابی با ضد انقلاب چیست و حقوق بشر برای حل و فصل دعاوی آنجا چه پیشنهاد مشخص دارد و تکلیف این نیروها با اسرا چیست؟ و ادامه داد: گرسنه و سیر، تشنه و سیراب شده در مقابل حقوق بشر یکسان میباشد، بنظر من این غیرد مکرانیک است و یک بحث تجربیدی است. باید دید مکانیسم‌های ضروری برای تحقق پیدا کردن مکراسی واقعی چگونه حاصل میشود؟

در پاسخ به این سئوالات گفته شد: اگر من به چپ سنتی اشاره کردم دیدگاهها معینی را مد نظر دارم و این دیدگاهها شامل کسانی میشود که آن شیوه را در پیش گرفته‌اند. بنظر ما بدون وجود آزادبها و مکراسی‌های ضروری رسیدن به مکراسی اقتصادی، اجتماعی... نمیتواند انجام پذیرد. در چنین مواقعی از جمله در کردستان بنظر ما باید مقید به قوانین بین‌المللی و عهدنامه‌ها باشیم و تکلیف اسراراً طبق مقررات کنوانسیون ژنو مشخص نمائیم. در ضمن ما اعدا امر اعلی غیر انسانی می‌دانیم. همچنین آقای لا هیچی به طنز بیان کردند: فکر نکنید که حقوق بشر فقط حقوق مال‌بیرالیهاست. و همه اعلامیه جهانی حقوق بشر استناد کرده و تا کیسند نمودند که قاضی باید فردی متخصص و مستقل باشد. و در پاسخ به اینکه چه راه حلی برای کردستان پیشنهاد می‌کنید، گفتند: مایک سازمان سیاسی که دارای برنامه‌های مشخص برای سرنگونی رژیم است، نیستیم. فعالیت‌های ما جنبه حقوقی دارد و در حوزه‌ها مکانات جامعه‌های دفاع از حقوق بشر میباشد. ما آلترناتیو سیاسی نیستیم که برنا منبرای سرنگونی حکومتی

ارائه همیم. و این کار وظیفه سازمانهای سیاسی است.

★ در رابطه با مسئله کردستان خانم همانا طبق نیز نکاتی را یادآوری نمودند از جمله اینکه: امروز در کردستان همین گروه (کومهله) با برپایی دادگاههای صالح، رفتار صحیح انسانی و شیوه مکرانیک حتی موفق به جلب اعتماد برخی از پاسداران رژیم و افسران ارتش گردیده‌اند و آنان به آغوش نیروهای مبارز بازگشته و بر علیه رژیم مشغول فعالیتند و اشاره کردند که اتفاقاً در کردستان به علت شرایط خاص و مبارزاتی که مردم علیه رژیم انجام میدهند، مکراسی نسبت به نقاط دیگر بیشتر رعایت میشود. در ضمن ایشان خواهان محکوم کردن عمل حزب د مکران کردستان در رابطه با درگیریهایی اخیر شدند.

★ یکی دیگر از حاضرین در رابطه با درگیریهایی اخیر حزب د مکران کردستان ایران و کومهله سوال نمود و خواهان محکوم کردن سبب این درگیریهنا شد. در جواب به سائل و نظرات و سئوالات مطرح شد چنین پاسخ داد شد که ما منکر مبارزات برحق مردم کرد در کردستان نیستیم و علاوه بر ارج نهادن بر مبارزات آنان آرزوی کنیم که جای این درگیریهها صلح برقرار شود و تمام نیروها بجای مبارزه علیه یکدیگر توجهشان به رژیم که اصل است، معطوف شود و بر همزیستی سلامت آمیز و همزیستی سیاسی گروههای موجود تاکید کرد و تصریح نمودند که در این مورد مدار و اسناد کافی از جانب د طرف باید در اختیارمان گذاشته شود تا قضاوت کرده و نظر همیم.

★ در این بخش از برنامهی از حاضرین در جلسه با الحن پر خاش گرانهای از گردانندگان برنامه سوال نمود که: عملکرد جامعه‌های دفاع از حقوق بشر در وسال گذشته چگونه و شما تا بحال چه کرده‌اید؟



بقیه گزارشی ♦♦♦

در پاسخ به سؤال فوق آقای لا هیجی با فروتنی ضمن اشاره‌های کوتاه به فعالیت‌های جامعه‌های دفاع از حقوق بشر، گفتند در مقایسه با مبارزاتی که بر علیه رژیم برای آزادی ایران به ویژه در کردستان انجام میگیرد، اقدامات و فعالیت‌های ما هیچ است و یا توجه به امکانات محدود ما، چه رزمینه مادی و چه از نظر نیروی انسانی آنچه که در حوزه فعالیت و توان ماست، دریغ نکردیم که قسمتی از این اقدامات در بولتن‌های منتشره از سوی دفتر هماهنگی منعکس شد هاند که شما حتی زحمت خواندن اینها را هم بخورند و امیدواریم واگر واقعا هدف از سؤال شما آگاهی از این اقدامات است، میتوانید به بولتن‌ها رجوع کنید. در اینجا رویه سؤال کنند ه کرد و گفتند: اما شما بگوئید چه کرد هاید؟ (در این مورد زمزمه‌ها و سخنان کمی اوج گرفت و شدت یافت.)

وفرد مذکور در باره سؤال خود را در قسمتی دیگر تکرار کرد و پرسید: تا بحال سه تا جامعه حقوق بشر داشتیم، یکی مربوط به خانم ملود خانلری، دومی مربوط به آقای متین دفتری و سومی هم که شما اداره میکنید، این کمیته‌ها و جامعه‌های حقوق بشر تا بحال چه کرد هاند؟

که آقای لا هیجی پاسخ دادند: این همسازمان‌های سیاسی داریم، سه تا هم جامعه دفاع از حقوق بشر داشتیم، چه اشکالی دارد. اگر شما هم مایل هستید ما را از هر لحاظ که ممکن است در این راه یاری کنید و جای این صحبت‌ها بیائید با هم کار کنیم...

★ در قسمتی دیگر یکی از حاضران با اشاره به نقش آقای بنی صدر در کردستان به میزگذاری هواداران وی در این جلسه اعتراض کرد که در مقابل آقای لا هیجی تاکید نمود که: هر کس میتواند اینجا میزگذارد.

و اصلا هدف از برگزاری چنین جلساتی همین است که ما یاد بگیریم حضور مخالفان خود را هم تحمل کنیم و در کنار یکدیگر برای سایرین نیز حق قائل شویم و همه بتوانند آزادانه در محیطی آزاد از عقاید و نظرات خود دفاع نمایند.

★ در ضمن آقای خسرو شاکری نیز در قسمت پرسش و پاسخ در مقابل سخنان آقای حکمت که گفته بود: عصر انقلابا در یگر بر سر رسید هاست، این نظر را مردود دانسته و اظهار نظر نمودند، نباید چنین حکم‌ایدی و تاریخی را صادر کنیم تا مجبور نباشیم مانند گذشته نظراتمان را عوض کنیم.

در پایان به شخصی که در ابتدا ای جلسه خواهان فرصت برای تشریح نظرات خود بود، فرصت داده شد تا صحبت نماید و از دیدگاه‌های مورد نظر خویش دفاع کند. و آقای لا هیجی اشاره کردند که خلاصه اینجاست که ما پرونده ضد کرد درست نکنیم، ما از مبارزات مردم کرد ستاد علیه رژیم حمایت می‌کنیم ولی دفاع از حقوق بشر یک امر حقوقی است و فعالیت‌های ما همانگونه که قبلا نیز بیان شد به هیچ وجه در خدمت سازمان معینی نیست.

البته همانگونه که خود آقای لا هیجی نیز اشاره کردند جامعه‌های دفاع از حقوق بشر مسلما نمیتوانند در چارچوب برنامه‌ها و اهداف خویش جوابگوی مشکلات بی‌شمار و تضادهای فراوان جامعه باشند و مدعی اینکار نیز نیستند و صرفا با تکیه بر اصول و منشور حقوق بشر و میثاق‌های مکمل آن نمیتوانند حکومتی ضد مردمی و ضد ملی را سرنگون ساخت. حتی واقعیات به شمار امروزه حاکی از این حقیقت است که این حقوق در بسیاری از نقاط دنیا نقض میشود و طبق آمار منتشره در رساله گذشته چنانکه آقای لا هیجی عنوان کردند، فقط ۱۰ کشور در

جهان اصول حقوق بشر را رعایت کرده‌اند. ولی مسلم است که در اسرنگونی رژیم فاشیستی - مذهبی جمهوری اسلامی هر گونه فعالیت و اقدامی که منجر به کسب آزادی‌های فردی و اجتماعی شود، میتواند ما را در راه انقیاب به مقصود یاری رساند. از اینرو فعالیت‌ها و اقدامات دفتر هماهنگی جامعه‌های دفاع از حقوق بشر قابل قدر است. جلسه روز و شنبه هم سامبر نشانگر کوشش و اقدام عملی در جهت ارائه فکر حقوق بشر و احترام به نظریات دیگران بود و شیوه برخورد صحیح مجریان این برنامه قابل احترام است.

ما آرزو میکنیم که سایر نیروها نیز بتوانند در جبهه آزادی و آزادی‌اندیشی برسند که بتوانند در محیط‌های مختلف در کنار مخالفین سیاسی خود حضور یابند. تا خوب بود در کنار یکدیگر قرار گرفته و حقیقت عیان گردد و مردم خود قضاوت کنند که درست چیست و نادرست کدام است؟ و نباید فراموش کنیم که همواره باید پدیده‌های صحیح یا برخورد نظریات مخالف و متضاد است که راه خود را می‌گشاید و تنها رجوع و شرایط و مکرراتیک می‌باشد که استعدادها شکوفان میگردد.

در پایان لازم به تذکر است که چون این نوشته‌های حافظه و نقل به معنی از شنیده‌ها و یادداشت‌ها تهیه شده است، ممکن است در مواردی نقل قول‌ها دقیقاً ذکر نشده باشد. بدین جهت قبلا از دست‌انسان شرکت کنند در جلسه و خوانندگان پوزش خواسته میشود.

م - بهزادی



بقیه از صفحه ۱ گزارشی :

درباره جلسه جامعه‌های دفاع از حقوق بشر

هموطنانمان مواجه گشت. این برنامه شامل سخنرانیهای پیرامون تاریخچه این اعلا میه و موقعیت و وضعیت حقوق بشر در ایران "بود و با" پرسش و پاسخ پیرامون مسائل مطروح "پایان یافت". در این جلسه آقای لا هیجی بر عهد و داشتند. در ابتدا خانم ماندانا کلباری در ارتباط با تاریخچه حقوق بشر مطالبی را قرائت کردند، سپس آقای لا هیجی در مورد حقوق بشر در ایران و موارد نقض آن در مراحل مختلف سخنانی ایراد نمودند و پس از ایشان آقای بیژن حکمت در مورد حقوق بشر و وضعیت آن در شرایط فعلی مطالبی را عنوان کردند. در پایان سه سوال حاضرین در جلسه پاسخ داده شد و نظرات گوناگون در این مورد مطرح گردید.

در ابتدا باید به برگزارکنندگان این برنامه مبعث فضای آزاد و دمکراتیکی که در این جلسه حکمفرما بود و کوششی که در جهت رعایت دمکراسی بعمل آمد، صمیمانه تبریک گفت. هدف از نوشتن این مطلب در واقع ارج نهادن به چنین کوشش ارزنده‌ایست که از یک طرف در جهت افشای جنایات رژیم و شناساندن ماهیت ضد دمکراتیک و نیرانسانی آن میباشد و از سوی دیگر فراهم آوردن زمینه فضای دمکراتیک و بیطرفانه‌ای است که در آن گروهها سازمانها و افراد مختلف با طرز تفکرهای گوناگون بتوانند در کنار یکدیگر حضور بهم رسانند و با رعایت اصول دمکراتیک به گفتگو و تبادل نظر سالم بپردازند. از این حیث جلسه فوق و نحوه برگزاری مجریان این گرد همایی، حائز اهمیت بود و مایه دلگرمی و امیدواری آزادخواهان راستین و نیروهای دمکراتیک و مترقی است.

در ذیل قسمتهایی از سخنرانیها و نکاتی چند از جلسه فوق ذکر میگردد : آقای لا هیجی در ابتدای سخنانشان به اهداف جامعه‌های دفاع از حقوق بشر در معرفی جنایات رژیم خمینی، شرکت در کفرانسیها و جلسات، دادن اعلا میهها و ارائه فکر حقوق بشر و انتشار بولتنی از فعالیتهای دفترها هنگی (هر سه ماه یکبار) و یکسری کارهای اداری و امدادی در زمینه دفاع از آوارگان بخصوص ورو و پناهندگان اشاره نمودند و تاکید کردند دفاع از زندانیان سیاسی در شرایط کنونی مسئله حیاتی و زنگتری است که ما از دو ما پیش فعالیتهای خود را در این زمینه بیشتر کردیم. همچنین تذکر دادند که جامعه‌های دفاع از حقوق بشر در ایران نسبت به جریانات سیاسی ایران و جریانات بین المللی استقلال کامل دارند و فعالیتهای آنان به هیچوجه در خدمت سازمان معین یا ایدئولوژی مشخصی قرار ندارد. ایشان در بخشی دیگر از سخنانشان بیان کردند که با مرز دیگر رژیم جمهوری اسلامی در انظار بین المللی یکی از کشورهای نمونه و سرشناس در زمینه تجاوز، ظلم و تبعیض به جهانیان معرفی شده است، اما پس از انقلاب به مسئله حقوق بشر توجه نشد. بخصوص در آن روزهایی که ما شین اعدام رژیم پیکار افتاد و کینه و عداوت و تسویه حساب همه جا جایگزین و جان نشین هر اصلسی از حقوق بشر شد بود، متأسفانه کمبود کسانی که صدای اعتراض خود را بلند کنند. سپس، آقای بیژن حکمت نیز ضمن بیان مطالب مشروعی بر ضرورت همزیستی تمام جریانات سیاسی در کنار یکدیگر که دمکراتیک را رعایت میکنند، تاکید ورزید و گفتند بنظر

من تنها راه این است : باید فضای سیاسی برای برخورد اندیشه‌ها بوجود آوریم. در قسمتی دیگر از سخنرانیشان این سوال را مطرح کردند که : آیا نیروهای استبدادگرا فقط نیروهای وفادار به شاه و خمینی هستند ؟ یا اینکه باید با هر نوع اندیشه و تفکر استبدادی تحت هر نام و برنامه‌ای مخالفت و مبارزه کرد ؟ و هر کس یک برنامه استبدادی را مطرح کرد باید بر حسب قانون، حقوق وی را محدود ساختند زیرا مبارزها استبداد را نمیتوانند در بدن خود استبداد دیگری را بیا فرینند. همانگونه که دیدیم شکجه شدگان در یروزی (مانند لا جووری) به شکجه گران امروزی بدل شد هاند. و با آوردن نمونه‌هایی از ضرورت یک معیار حقوق عام سخن راندند. ایشان بدنبال سخنانشان به "چپ سنتی" برخورد کردند که در مقابل حقوق بشر، حقوق دمکراتیک خلق را مطرح میکند و آنرا برای خلق می خواهد نبرای ضد خلق. و ادامه دادند که : هر انسان جهانقلابی، چه ضد انقلابی، چه مترقی و چه مرتجع، چه خلقی و چه ضد خلقی از حقوق مدنی ساوی برخوردار است. اگر گروههای دستزستی به تظاهرات دست چپی ها حمله کنند، در آگاه میتوانند حزب آنها را منحل کند و اگر گروههای چپی همه حزب دست راستی حمله کردند همانگونه باید اجرا شود و بعنوان مثال در مورد نیکاراگوئه گفتند : من هم در حالت نظامی آمریکا را محکوم میکنم و هم رفتار ساند نیستهارا در انتخابات نسبت بطیبالها.

پرسشها و پاسخها

در قسمت پرسش و پاسخ ابتدا یکی از حاضرین به قسمتی از سخنان آقای حکمت